

## چیستی خط تحریف

### و چگونگی اثرگذاری آن بر خط تحریم

#### اشاره:

در بحبوحه مشکلات اقتصادی و پیچیده شدن شرایط جامعه امروز ایران، برخورداری از درک روشن و نسبتاً جامع نسبت به مسائل کشور، نقش بسیار مهمی در تصمیم‌گیری و رفتار سیاسی- اجتماعی مطلوب دارد. جامعه ایران با وجود برخورداری از ظرفیت‌ها و دستاوردهای ارزشمند در حوزه‌های مختلف، همچنان با مشکلات متعددی مواجه است و البته این موضوع درباره همه جوامع صدق می‌کند، اما یکی از مسائل بسیار مهم در جامعه ایران، نوع تفسیر مسائل، فرصت‌ها و چالش‌های کشور است که تنها از سوی بازیگران سیاسی داخل صورت نمی‌گیرد، بلکه دشمنان این کشور - و در رأس آن‌ها آمریکا و رژیم صهیونیستی - سال‌های متمادی است که تفسیری جهت‌دار، غیرواقعی و

کاذب از مسائل و موضوعات دولت و ملت ایران از طریق رسانه‌های گسترده در فضای افکار عمومی ایران منتشر می‌کنند تا اهداف خود علیه جمهوری اسلامی ایران را پیش ببرند. در چنین شرایطی ارائه آن درک روشن و جامع که مقام معظم رهبری از آن با عنوان بصیرت یاد می‌کنند، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

در این جهت بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت عید قربان (۱۳۹۹/۵/۱۰) تحلیل روشنی از وضعیت کنونی جامعه ایران و چگونگی غلبه بر مشکلات ارائه می‌کند. توجه به این تحلیل در شرایط کنونی که مشکلات اقتصادی افزایش یافته و به نظر می‌رسد برخی به دنبال القای گسترش و افزایش ناامیدی در جامعه و میان نخبگان هستند، از اهمیت زیادی برخوردار است. رهبر معظم انقلاب در این بیانات موضوعات مختلفی را مورد توجه قرار دادند، اما با نگرشی کلی به این بیانات می‌توان «ضرورت حفظ روحیه استقامت و نقش مقاومت در غلبه بر مشکلات» را محور اصلی بحث دانست. از ابتدای این بیانات که معظم‌له با یادآوری مناسبت‌های دهه‌های دوم و سوم ماه ذی‌الحجه، رنج‌های حضرت موسی (ع) در هدایت قومش را بیان کرده و سپس ایثار و فداکاری ملت ایران در بلایای طبیعی همچون سیل و کرونا را بازگو می‌کنند و در ادامه بخش زیادی از بحث را به تحریم‌های آمریکا علیه ایران، اهداف آن‌ها، چگونگی شکست این تحریم‌ها و فرصت‌هایی که تحریم برای ایران فراهم کرده است اختصاص می‌دهند، می‌توان معنای اصلی بیانات ایشان را در همان ضرورت مذکور مشاهده کرد.

در این نوشتار با تبیین و تشریح بخش اصلی بیانات رهبر انقلاب که به موضوع تحریم و مسائل پیرامون آن اختصاص یافته است، به چشم‌انداز روشن‌تری از مسئله اصلی کشور دست خواهیم یافت. با تأمل در این بیانات می‌توان مسئله اصلی کشور را نوع بینش و نگرش مردم و مسئولان به چگونگی رویارویی ایران و نظام سلطه و راه‌حل آن تعریف کرد که در دیدگاه مقام معظم رهبری، ترجیح خط مقاومت بر سازش تعریف می‌شود. آنچه در پیروزی هر یک از این خطوط (مقاومت یا سازش) نقش ایفا می‌کند، قوت صداقت یا تحریف است و مروری بر اقدامات رسانه‌ای و روانی دشمن طی سال‌های متمادی مقابله با جمهوری اسلامی ایران، گویای نقش‌آفرینی تحریف در پیش‌برد اهداف دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران است که در بیانات اخیر مقام معظم رهبری این موضوع مورد توجه قرار گرفت و در این نوشتار به تبیین بیشتر آن می‌پردازیم.

## ۱- جایگاه تحریف در ایدئولوژی لیبرال - سرمایه‌داری

پیرامون مسئله تحریم و چگونگی مقابله با آن دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. بسیاری از این دیدگاه‌ها ماهیتی اقتصادی دارند و از منظر سود و زیان به رابطه با آمریکا می‌نگرند و هر چند چنین مباحثی لازم است، اما باید این موضوع را به صورت بنیادی‌تر نگریست. منظور از نگرش بنیادین، توجه به چیستی و هویت خود و دیگری (خویش‌نمانی ایرانی و طرف‌های غربی) است. برخی بر این اساس که در دوران کنونی نگاه ذات-گرایانه به هویت از بین رفته است و تمامی کشورهای دنیا در مسیر الگوی توسعه غرب

و جهانی شدن غربی قدم برمی دارند، تنها راه حل برداشتن تحریم‌ها را در مذاکره با آمریکا تعریف می‌کنند. در نقطه مقابل، جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری و مکتب امام خمینی(ره)، معتقد است هویت اسلامی- ایرانی تفاوت بنیادین با غرب دارد و در حالی که فلسفه سیاسی- اجتماعی غرب و به تبع آن هویت غربی به شدت زیر سؤال رفته است، با مقاومت و ایستادگی مقابل نظام سلطه و آمریکا، می‌توان ضمن خنثی کردن تحریم‌ها، هویت اسلامی- ایرانی را پاس داشت تا از درون آن الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی متولد شده و راه برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی هموار گردد.

در شرایط کنونی دیدگاهی که بر مذاکره تأکید می‌کند، با شکل‌گیری برجام و به دنبال آن عدم پابندی آمریکا و اروپا به این قرارداد بین‌المللی و بلکه تلاش همه‌جانبه کاخ سفید برای بی‌اعتبارسازی آن و دست‌آختر خروج دولت ترامپ از این قرارداد، به‌نسبتی به حاشیه رفته است و در شرایط فعلی توان دفاع از کارآمدی خود را ندارد، هرچند این تفکر و جریان سیاسی متبوعش به امید پیروزی جو بایدن دموکرات در انتخابات آمریکا، عکس‌ها و مواضع وی را تیتربیک رسانه‌های خود می‌کنند و از این منظر تهدید قوت گرفتن این رویکرد وجود دارد، با این همه همچنان در سایه سنگین ناکامی‌های بین‌المللی و داخلی قرار دارد.

در مقابل این وضعیّت، رویکرد دیگری که ایستادگی و مقاومت را تنها راه حل شکست تحریم‌ها می‌داند، هرچند از موقعیّت غالب شدن بر فضای فکری جامعه برخوردار است، اما با مشکل تبیین مواجهه است و در نهادهای سازی برتری مقاومت بر سازش، به‌ویژه در حوزه نخبگانی نیازمند تبیین و تبلیغ بیشتری است، بنابراین، کار اصلی نیروهای انقلابی و ارزشی در شرایط کنونی تبیین این دیدگاه است که تنها با ایستادگی در مقابل آمریکا اراده طرف سلطه‌گر شکسته می‌شود و در مقابل اراده‌های داخلی برای جوشش درونی در کشور و فعلیّت بخشیدن به ظرفیّت‌های بومی استوار می‌گردد.

در این جهت بیانات اخیر مقام معظم رهبری کمک بسیار زیادی به تبیین این موضوع می‌کند و هرچند معظم‌له در این باره پیش‌تر سخنانی را گفته بودند، اما تبیین اخیر ایشان در عید قربان بیشتر روشن‌کننده است. ایشان می‌فرمایند: «به موازات تحریم - این را درست توجّه کنید - یک جریان تحریف هم هست؛ در کنارش یک جریان تحریف هست؛ تحریف حقایق، واژگون نشان دادن واقعیّات؛ چه واقعیّات کشور ما، چه واقعیّات مرتبط با کشور ما؛ این هم یکی از کارهایی است که آنها انجام می‌دهند. هدف از این تحریف دو چیز است، دو کار را می‌خواهند انجام بدهند: یکی، ضربه به روحیه‌ی مردم است؛ ... یکی [هم] آدرس غلط دادن برای رفع مشکل تحریم است.» چنان‌که رهبر انقلاب می‌گویند، منظور از آدرس غلط دادن این عده این است که می‌گویند: «اگر

می‌خواهید تحریم برطرف بشود، در مقابل آمریکا کوتاه بیایید» (بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت عید قربان ۱۳۹۹/۵/۱۰)

معظم‌له در ادامه در یک راه‌حل بی‌نظیر و کلیدی، شکستن خط تحریم را در گرو شکستن خط تحریف اعلام می‌کنند و می‌گویند: «اگر جریان تحریف شکست بخورد، جریان تحریم قطعاً شکست خواهد خورد؛ زیرا که عرصه، عرصه‌ی جنگ اراده‌ها است؛ وقتی جریان تحریف شکست خورد و اراده‌ی ملت ایران همچنان قوی و مستحکم باقی ماند، قطعاً بر اراده‌ی دشمن فائق می‌آید و پیروز خواهد شد.»

این تبیین مقام معظم رهبری از موضوع تحریم و وابستگی آن به خط تحریف، تبیینی بنیادین بوده و با آشکارسازی هویت طرف غربی، مبانی سیاست‌های غرب علیه جمهوری اسلامی را بیشتر تشریح می‌کند.

دیدگاه مقام معظم رهبری در زمینه وابستگی خط تحریم به خط تحریف، بیان‌گر جایگاه فریب و اغوا در ایدئولوژی لیبرال- سرمایه‌داری است. لیبرال- سرمایه‌داری که اساس آن بر بیشینه‌سازی سود و لذت استوار است، خواهان انسانی از خودیگانه است تا بتواند اولاً آن را به منزله ماشینی در خدمت هر گونه هدفی قرار دهد و ثانیاً صرفاً نیازهای غریزی او را مدّ نظر قرار داده و با تأمین آن‌ها، انسان را در سطح حیوان اقتصادی نگه دارد و مانع از پرسش‌گری او در زمینه تفکر و نظام سیاسی متبوعش شود. این وضعیّت در دوران اخیر با رشد و گسترش رسانه‌ها، بسیار حادث‌تر شده است و تحریف واقعیت به

ابزاری برای سلطه‌گری بیشتر تبدیل شده است. در این رویکرد، معرفت به جهان خارج به صورت مستقیم به ادراک انسان منتقل نمی‌شود، بلکه وهم (Fancy) میان قوای حسّی با ادراک فاصله می‌اندازد. البته باید توجه داشت که در فلسفه اسلامی، میان حس و عقل (درک)، قوه ارزشمند خیال (Imagination) قرار دارد که به تصویرسازی از امورات واقع می‌پردازد و تصاویر را در ذهن حفظ می‌کند تا ادراک حاصل شود، اما وهم با خیال تفاوت دارد و کاری که دستگاه رسانه‌ای در غرب انجام می‌دهد، جایگزینی وهم به جای خیال و در میانه حس و عقل است. ملاصدار وهم را از قوایی می‌داند که با عقل منازعه می‌کند و معتقد است غلبه شیطان بر انسان از طریق وهم ممکن می‌شود. صدرالمتألهین برای هر یک از قوای انسان لذّتی را تعریف می‌کند و لذّت وهم را در آرزو و میل می‌داند و در همین جهت، حکیم سبزواری نیز منشأ و مبدأ آرزوهای دنیوی و ترس‌های بدنی را قوه وهم می‌داند.<sup>۱</sup> با این توضیح میان آنچه رسانه در غرب برای مردم به تصویر می‌کشد و مصرف‌گرایی و بیشینه‌سازی سود و لذّت می‌توان ارتباطی منطقی پیدا کرد.

به این ترتیب در سرمایه‌داری غرب، توهم ابزاری در خدمت سرمایه‌سالاری است و این موضوعی است که فلاسفه غربی منتقد نیز بر آن تأکید دارند. ژان بودریار، فیلسوف

---

۱- مهران رضایی و دیگران، «تحلیل جایگاه خیال و وهم در گستره ادراکات و افعال انسان از منظر

صدرالمتألهین»، دوفصلنامه علمی پژوهشی حکمت صدرایی، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۶۲-۷۶.

فرانسوی، رسانه را سبب از خودبیگانگی انسان و تبدیل شدن او به حیوانی مصرف کننده می‌داند. وی کار رسانه‌ها در غرب را بازنمایی امورات واقعی تعریف می‌کند. بودریار معتقد است بشر اکنون در جهان پسامدرن زندگی می‌کند و در این جهان مرز میان واقعیت و بازنمایی آن، از بین رفته است و گاهی رابطه آن دو برعکس شده، و واقعیت تقلیدی از بازنمایی گشته و بازنمایی‌ها به جای بازنمایی از واقعیت، از همدیگر تقلید می‌کنند و به یکدیگر ارجاع می‌دهند. دیدگاه بودریار درباره نقش رسانه‌ها در بازنمایی زندگی واقعی، به نسبتی رادیکال است، تا جایی که او اساساً امر واقع را تمام شده می‌داند، اما در هر حال وی درون دنیایی زندگی می‌کند که ذهن و عین تابعی از تصاویر وهم آلود گشته‌اند و وقایع آنچنان که منافع سرمدمداران رسانه‌های غول‌پیکر بین‌المللی - که بسیاری از آن‌ها را صهیونیست‌ها تشکیل می‌دهند - اقتضا می‌کند، بازنمایی می‌شود. این تحوّل شناختی مبنایی است که تحریف و دروغ‌پردازی را در خدمت اهداف سلطه - گرایانه غرب قرار می‌دهد و از جمله زمینه برای تحریم کشورهای خصم آمریکا را فراهم می‌کند.

## ۲- چگونگی اثرگذاری تحریف بر تحریم

آنچه درباره تحوّل شناختی در غرب گفته شد، از سوی خط رسانه‌ای دشمن به صورت آگاهانه و برخی از هواداران داخلی آن - به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه - در بازنمایی از وقایع ایران و از جمله درباره تحریم دنبال می‌شود. آنان با تحریف واقعیت‌ها،



تصویری سراسر منفی از جامعه ایران منتشر می کنند تا اثرگذاری تحریم‌ها را اثبات کنند و از این طریق روحیه مقاومت در مردم را از بین ببرند. تحریف که همان بازنمایی غیر واقعی از فرصت‌ها و چالش‌های کشور است و فرصت‌ها را کوچک‌نمایی و تهدیدات را بزرگ‌نمایی می کند، اراده دشمن برای مقابله با جمهوری اسلامی را تقویت می کند و در مقابل اراده‌های داخلی را برای ایستادگی در مقابل مشکلات به تحلیل می برد.

از منظری دیگر چنان که گفته شد عنصر اصلی تحریف، توهم است و وقتی این عنصر بر شناخت انسان‌ها غالب شود، در واقع میل و آرزوی‌های دنیایی هدف اصلی انسان قرار گرفته و مسیر حرکت فرد را تعیین می کنند. امیال و لذایذ دنیوی جایی برای مقاومت باقی نمی گذارند، چرا که با تحریک غرایز، شتاب را بر انسان تحمیل کرده و از او تأمین سریع نیازهای مادی را طلب می کنند. در چنین وضعیتی اراده انسان نیز تحت تأثیر قرار گرفته، سست و بی رمق می گردد و در دنیای کنونی که به تعبیر مقام معظم رهبری «عرصه جنگ اراده‌هاست» میدان را خالی می کند. در چنین شرایطی است که راه حل مشکلات در گفتگو و مذاکره تعریف می گردد و به این ترتیب تحریف، تحریم و مذاکره در طول یکدیگر، مسیر اقدامات دشمن علیه جمهوری اسلامی را هموار می کنند. از اینجاست که روشنگری و ارائه شناخت واقعی به جامعه اهمیت خود را نشان می دهد. روشنگری و بصیرت‌افزایی با ارائه تصویری روشن و واقعی از جامعه، توهم را کنار زده و خط تحریف را می شکند و به دنبال آن زمینه ترس از تحریم را از بین برده و دشمن را از

اثرگذاری این ابزار نا امید می‌سازد. بر این اساس مقام معظم رهبری در مقابل خط تحریف واقعیت، اولاً سعی در بیان دقیق واقعیت‌های داخل کشور دارند و در همان سخنرانی فوق به صورت ضمنی از این که برخی موفقیت‌ها و تلاش‌ها همچون راه‌اندازی پالایشگاه ستاره خلیج فارس، توسعه پارس جنوبی، احیاء زمین‌ها در خوزستان و ایلام و... چندان تبلیغ نشده است، انتقاد می‌کنند و ثانیاً راهکار طرف مدعی، یعنی مذاکره را به صورت مبنایی نقد می‌کنند. به بیان ایشان جمهوری اسلامی ایران از مذاکره با هر کشوری، به جز آمریکا و رژیم صهیونیستی، استقبال می‌کند، اما آنچه درباره مذاکره با آمریکا گفته می‌شود، اساساً مذاکره نیست. مذاکره یا گفتگو به معنای سخن گفتن دو طرف در شرایط برابر است، اما این موضوع نزد آمریکایی‌ها به معنای سخن گفتن یک-طرفه آنان همراه با پیش شرط و ادبیات تحکم‌آمیز است که اگر ایران بپذیرد، مؤلفه‌های قدرت خود (که عبارتند از توان علمی و در رأس آن انرژی هسته‌ای، صنعت موشکی و عمق راهبردی در کشورهای منطقه) را از دست می‌دهد و اگر نپذیرد تحریم‌ها همچنان ادامه می‌یابد.

این بیان دقیق واقعیت‌ها و کالبدشکافی مدعای طرف مقابل و ردّ منطقی آن، ضمن این که خط تحریف واقعیت را می‌شکند و عقل را از دایره توهم نجات می‌دهد، دستاورد ارزشمند دیگری هم دارد و آن ایجاد تحرک درون‌زا در جامعه است. روشنگری به معنای مذکور، سبب حرکت اراده در مسیر متعالی می‌شود. در فلسفه اسلامی مباحث

مفصلی درباره اراده وجود دارد، اما به صورت کلی می‌توان اراده را شوق مؤکد تعریف کرد که هم می‌تواند مبنایی عقلانی و هم مبنایی وهمی داشته باشد. اراده‌ی برخاسته از عقل و بصیرت، به‌سوی امر متعالی (به سوی خداوند) و اراده‌ی برخاسته از توهم به‌سوی شهوات و غرایز (به سوی شیطان) حرکت می‌کند.<sup>۲</sup> از اینجا می‌توان گفت که چون اراده معطوف به باری تعالی، اراده معطوف به بی‌نهایت است و افقی فراتر از زمان و مکان کنونی پیش‌روی افراد می‌گشاید، بنابراین از انگیزه تداوم و قوت ماندگاری بیشتری برخوردار بوده و در نهایت به پیروزی می‌رسد. مهم‌تر این‌که این نوع اراده، جنس توحیدی دارد و می‌تواند همه ظرفیت‌ها و نیروهای جامعه را در خدمت رسیدن به یک هدف واحد قرار دهد و از این منظر یک اراده‌ی درون‌زا و تبلور خودجوشی یک ملت است. در مقابل اراده معطوف به شهوت و شیطان، فرد را درگیر با نیازهای روزمره و متکثر و به‌ویژه تأمین سریع آن‌ها می‌کند و تکثر حاکم بر چنین جامعه‌ای نیز مانع از اجتماع، تمرکز و هم‌افزایی نیروها می‌شود. چنین اراده‌ای نمی‌تواند نگاه به درون داشته باشد و خواهان بهره‌گیری از قدرت‌های بیرونی برای برآوردن سریع نیازهای مادی خویش است و به این ترتیب در مقابل مشکلات شکننده و ناتوان خواهد بود. این‌که چگونه اراده توحیدی درون‌زا و اراده شیطانی برون‌گرا است، نیازمند توضیح بیشتری

---

<sup>۲</sup> - فاطمه سلیمانی، «بررسی اراده انسان از دیدگاه متکلمین و فلاسفه اسلامی»، دوفصلنامه علمی -

پژوهشی حکمت سینوی، شماره ۳۰ و ۳۱، ۱۳۸۴.

است که پاسخ آن را باید در تمایل ذاتی فطرت انسان به سوی خدا و تمایل ذاتی غرایز به سوی مادیات و شیطان جستجو کرد.

## جمع بندی

از آنچه گذشت می توان گفت اکنون باید به این موضوع اندیشید که چگونه این تبیین می تواند اعمال و کنش های مردم و به ویژه نخبگان سیاسی جامعه ایران را اصلاح کند و در رفتار آن ها تبلور یابد؟ در بیانی مختصر می توان گفت در غرب مدرن که سال های زیادی است انسان ها زیر سایه سنگین عقلانیت ابزاری زندگی می کنند و سنت دینی و فرهنگی خود را که انسان را در مقام سوژگی حفظ می کرد، به نسبت زیادی از دست داده اند، اراده برای عمل و اقدام بیشتر از طریق برانگیختن غرایز صورت می گیرد، اما به نظر می رسد در جامعه ایران وجود سنت دینی و فرهنگی قدرتمند، زمینه رونق عقل و سوژگی انسان را حفظ کرده است و در چنین وضعیتی، تنها روشنگری و کنار زدن توهمات است که می تواند اراده معطوف به عمل و اقدام را برانگیزد. نکته مهم این است که تحریف و توهم که روشنگری را در معرض تهدید قرار می دهند، در قالب بازی های زبانی نمود می یابند که زبان را سد راه عمل قرار می دهند و این با روشنگری تفاوتی اساسی دارد.